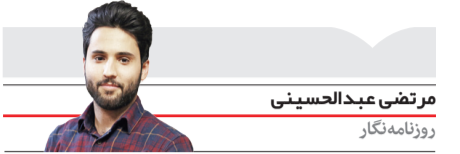


ایران پنجاهمین شریک تجاری لبنان!



مرتضی عبدالحسینی روزنامه نگار

در دو روز گذشته تصاویر منتشر شده از انفجار بندر بیروت در لبنان بسیار ناراحت کننده بوده است. این انفجار علاوه بر اینکه ویرانی های عظیمی را بر جای گذاشته و در اولین برآوردها فرماندار بیروت این خسارت ها را حدود پنج میلیارد دلار ذکر کرده، آرسوی دیگر تراژدی های چندماهه اخیر منطقه را نیز تکمیل کرده است. لبنان را به عروس خاورمیانه تشبیه کرده اند و کمتر کسی است که از زیبایی ساحل، خیابان ها و طبیعتش خیر نداشته باشد؛ زیبایی ای که نه تنها در دو روز گذشته و بر اثر انفجار نبرتاً بلکه بر اثر دخالت های غربی ها و توطئه های سعودی در چندسال اخیر به مرور از آن کاسته شده بود. این کشور تنها در بخش گردشگری ۱۲ درصد از گردشگران خاورمیانه را سالانه به سمت خود می کشد و در آن بیش از ۱/۸ میلیون شغل ایجاد می کند و چیزی در حدود ۲۰ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را رقم می زند، اما همه کشمکش های سیاسی و داخلی این کشور که با دامن زنی جریان فشار غربی-عربی همراه بوده، فرصت های بسیاری را از لبنان گرفته است. این کشور که سابقه عملکردهای درخشان اقتصادی حداقل سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ را در کارنامه داشته و رشدهای اقتصادی ۱۰ درصدی را تجربه کرده و اقتصاد و زیرساخت های آن حتی از زیر سایه جنگ های تحمیلی چون جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ نیز به سلامت عبور کرده بود، در حال حاضر با مشکلات روزافزون اقتصادی دست و پنجه نرم می کند. بندر بیروت با همه پتانسیل های خود برای جابه جایی عمده اقلام صادراتی و وارداتی این کشور نیز تبدیل به شوکی بزرگ به شوک های قبلی شده است. البته راه برای لبنان تمام نشده و این کشور ظرفیت های بزرگی چون: میدان گازی، بنادر با پتانسیل و ظرفیت های دریایی و سرمایه گذاری بسیاری دارد که در حال حاضر به نظر می رسد تنها علاج و راه حل مشکلات این کشور، وحدت سیاسی است. گذشته از اینها آسیب شناسی اقتصادی این کشور نیز می تواند مسیرهای برگشت را بهتر نمایان کند که محوریت این گزارش را تشکیل می دهد. در این گزارش اقتصاد لبنان به سه بازه تاریخی «قبل از ۲۰۰۶»، «حداقل ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱» و «بعد از ۲۰۱۱» تقسیم شده و نقاط قوت و ضعف آن مورد تحلیل قرار گرفته است. در ادامه نیز به بررسی بدهی های دولتی و از دست رفتن بخش عظیمی از گردشگری به عنوان دو چالش اصلی دوسال اخیر این کشور پرداخته می شود. این کشور با توجه به موقعیت جغرافیایی که نسبت به ایران داشته، می تواند شریک بسیاری خوبی برای همکاری های اقتصادی با کشورمان باشد، اما آمار هانسان می دهد همکاری های دو کشور در زمینه اقتصاد در سال های اخیر به اندازه همکاری های سیاسی موفق نبوده است، به طوری که براساس آمارهای تجارت خارجی، ایران پنجاهمین شریک تجاری این کشور بوده که در نوع خود بسیار قابل تامل است.

قرائت تاریخی از لبنان

از منظر باستانی سرزمین لبنان جایگاه تمدن فنیقی ها و ایا کنعانیان بوده است، در یونان فنیقی هرگز در اندیشه آفریدن یک نیروی نظامی نبودند، اما به سرعت توانستند نخستین امپراتوری بازرگانی جهان را پدید آورند. فنیقی ها به دادوستد بیش از کشاورزی اهمیت می دادند که این امر ریشه در شرایط جغرافیایی این کشور دارد، زیرا لبنان بر ساحل مدیترانه واقع شده و ماهواره ای ها و شرایط کوهستانی اجازه توسعه کشاورزی را نمی دهد. همین امر باعث شده بود تا زمانی که مرزهای ایران تا لبنان کشیده شود از توان دریایی این کشور به خوبی استفاده شود. این کشور علاوه بر داشتن موقعیت تجاری مناسب به عنوان یک ویژگی اقتصادی دارای خصوصیات منحصر به فرد اجتماعی نیز هست؛ مردمی با تکثر قومی زیاد، ادیان و مذاهب مختلف، بیش از هفت هزار سال در این جغرافیا با هم زندگی به نسبت مسالمت آمیزی داشته اند. مسلمانان اهل تشیع، تسنن، دروزی ها و علویان، مسیحیان کاتولیک مارونی، ارتودوکس ها و پروان کلیسای کاتولیک یونانی و ارمنی، پروتستان ها و... جمعیت ۶ میلیونی این کشور را تشکیل می دهند. این کشور در سال ۱۹۴۱ از فرانسه استقلال یافت و مسیر تاریخی خود را آغاز کرد.

سیر تاریخی اقتصاد لبنان ۲۰۰۶

لبنان پس از استقلال از فرانسه در میانه دهه ۱۹۴۰، در وضعیت مطلوبی به سر می برد. موقعیت ژئوپلیتیک و مزیت های جغرافیایی

در این مقطع لبنان را در موقعیت ممتازی قرار داد. با استقلال این کشور از فرانسه، اثرگذاری اندیشه فرانسوی بر نخبگان لبنانی در این سال ها باعث شد تا «سیاست گذاری بر مبنای اقتصاد آزاد» به بخشی از قانون اساسی این کشور تبدیل شود. هر چند در دوره جنگ سرد برخی رهبران سیاسی در این کشور به اندیشه های اقتصادی شرقی تمایل داشتند. پیش از آغاز جنگ داخلی در این کشور، انجام اصلاحات ساختاری در اقتصاد و کاهش سطح دخالت دولت در اقتصاد این کشور را به «سوئیس جهان عرب» تبدیل کرده بود. اما با وقوع جنگ داخلی در سال ۱۹۷۵ و به دنبال آن حمله اسرائیل به لبنان، وضعیت اقتصادی این کشور در مختصات ناگواری قرار گرفت. در پایان جنگ رژیم صهیونیستی و همچنین جنگ داخلی که تا پایان ۱۹۹۰ یعنی ۱۵ سال به طول انجامید، بسیاری از زیرساخت های این کشور از بین رفته و دستاوردهای اقتصادی این کشور به باد رفت. در این مدت تولید ناخالص داخلی به نصف رسیده بود و جایگاه لبنان به عنوان یک کشور دارای مراکز تجاری بزرگ در خاورمیانه کاملاً از بین رفته بود. پس از پایان جنگ، نخبگان سیاسی و اقتصادی لبنان از یک سو و جامعه جهانی از سوی دیگر برای بازتوانی اقتصادی لبنان مصمم شدند. در این بین رفیق الحریری، نخست وزیر وقت لبنان، نقشی غیرقابل انکار در اجرای سیاست های اقتصادی در این کشور برعهده داشت و به نوعی می توان حریری را مجری بازسازی اقتصاد لبنان نامید. مهم ترین سیاست های اجرا شده در این دوران را می توان «اصلاحات ساختاری در اقتصاد»، «خصوصی سازی»، «استقراض از کشورهای خارجی» و «استقراض از بخش بانکی برای مهار تورم» دانست. به این ترتیب اقتصاد لبنان با زهم تغییر چهره داد و تا پیش از آغاز «جنگ ۳۳ روزه» در سال ۲۰۰۶ میزان دارایی های نظام بانکی این کشور به بیش از ۷۰ میلیارد دلار رسید و متغیرهای اقتصادی در این کشور به ثبات بی سابقه ای رسیدند.

۳ سال موفق در اقتصاد لبنان

اقتصاد لبنان که کم کم روی آرامش را به خود گرفته بود، دیگر از تورم های بیش از صد درصد اوایل دهه ۹۰ در آن خبری نبود و مجدداً بازسازی فیزیکی و توسعه ای این کشور به طور روزافزونی در حال انجام بود تا اینکه وقوع جنگ در سال ۲۰۰۶ بار دیگر اقتصاد این کشور را به شدت تحت تاثیر قرار داد. براساس آمارها در حداقل سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ که این کشور درگیر قتل و بعد از جنگ ۳۳ روزه نیروهای مقاومت با رژیم صهیونیستی بود، رشد اقتصادی روند صعودی خود را هر چند کم اما حفظ کرده بود، به طوری که به ترتیب در سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶، رشد اقتصادی ۲/۶ و ۱/۵ درصدی رقم خورد. احتمالاً علت اصلی حفظ روند صعودی در اقتصاد لبنان حتی در دوران جنگ ۳۳ روزه، تداوم اصلاحات اقتصادی در این سال ها بود که در کنار رشد اقتصاد این کشور، شکاف طبقاتی به جا مانده از دهه ۹۰ را دامن زده بود. براساس آمارها در این سال ها رشد تولید سرانه در لبنان منفی و نزدیک به صفر بوده است. به هر روی با پایان یافتن جنگ بار دیگر رونق اقتصادی به این کشور بازگشت. به نحوی که این کشور طی سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ همواره رشد اقتصادی بالاتر از ۹ درصد را به ثبت رساند. نکته جالب توجه این است که نظام سیاسی این کشور طی این دوره برای بیش از ۲۰ ماه بدون رئیس جمهور به کار خود ادامه می داد. براساس آمار رشد اقتصادی این کشور در طی این سال ها به ترتیب برابر با ۹/۳، ۱۰/۲، ۷/۹، ۱۰/۲ درصد بوده است که عملکرد خیره کننده ای برای آن سال های لبنان محسوب می شود. در این سال ها همچنین تولید سرانه تقویت و شکاف طبقاتی کمتر شده بود، چرا که در طی سال های ۲۰۰۷، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ این متغیر از تغییرات بالای ۹ درصدی برخوردار بوده است.

ترکش های جنگ سوریه از سال ۲۰۱۱

وقوع جنگ در سوریه، دامنه آتش ناآرامی را به اقتصاد لبنان نیز کشاند؛ به نحوی که نرخ رشد اقتصادی این کشور پس از این سال همواره در محدوده یک تا دو درصد در نوسان بوده است. البته نمی توان این کاهش قابل توجه را به طور کلی به جنگ سوریه مربوط دانست، اما به نظر می رسد به خصوص در چهار سال گذشته، سایه بدهی ها و کسری بودجه دولت بر سر اقتصاد این کشور سنگین تر شده باشد. بر مبنای آمارهای نهادهای بین المللی طی سه سال گذشته نحوه حکمرانی دولت

و کسری بودجه و بدهی های فزاینده در این کشور روند روبه رشد متغیرهای اقتصادی را وادار به دوربردگردان کرده است. گواهِ ادعای گفته شده براساس آمارهایی است که نشان می دهد در سال های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ که لبنان تحت تاثیر شوک های جنگ سوریه و البته سیاست گذاری های اشتباه اقتصادی بود، باز هم توانسته بود رشد اقتصادی خود را مثبت نگه دارد. رشد اقتصادی این کشور طی این سال ها به ترتیب برابر با ۲/۵، ۳/۸، ۲/۴، ۰/۲ و ۱/۵ بوده است. نکته جالب توجه عملکرد ضعیف تولید سرانه در این کشور طی سال های مذکور است که البته در سال های اخیر نیز روند روزافزون ادامه داشته است. براساس آمار رشد تولید سرانه در سال ۲۰۱۱ با منفی ۳/۹ درصد منفی بوده و در ادامه و برای سال های ۲۰۱۲، ۲۰۱۳، ۲۰۱۴، ۲۰۱۵، ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ به ترتیب برابر با ۳/۶، ۳/۷، ۳/۲، ۳/۹، ۳/۱ و ۱/۱ کاهش داشته است.

آغاز بحران عمیق اقتصادی از سال ۲۰۱۷

همان طور که گفته شد، طی سال های اخیر لبنان مشکلات زیادی بابت روند رو به فزونی مخارج دولت و افزایش بار ناشی از تعهدات بین المللی تجربه کرده است. بر مبنای برآوردهای موسسه «مودی» نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی در این کشور در پایان سال جاری به حدود ۱۴۰ درصد خواهد رسید و به این ترتیب لبنان به چهارمین کشور بهرکار جهان تبدیل خواهد شد. استمرار این روند می تواند اقتصاد این کشور را با وضعیت ناخوشایندی روبه رو کند. چنین شرایطی باعث شده است سیاستگذاران اقتصادی در این کشور یک برنامه اصلاحاتی در چهار محور برای برون رفت از شرایط فعلی ارائه کنند. در این برنامه اصلاحی «ایجاد قاعده مالی»، «افزایش مالیات سوخت»، «حذف یارانه انرژی» و «افزایش پوشش مالیاتی» در دستور کار قرار گرفته است. با توجه به وضعیت سیاسی و ایجاد اختلاف های اساسی بین دولت و نخست وزیر اجرای چنین برنامه ای دور از انتظار بود که تا به حال این اتفاق نیز افتاده است. البته بحرانی تر شدن شرایط باز دست رفتن بندر بیروت وضعیت را پیش بدتر خواهد کرد. براساس آمارها نیز این کشور طی سال های ۲۰۱۷، ۲۰۱۸، ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ ضعیف ترین عملکردهای اقتصادی خود را ثبت رسانیده که نرخ رشد اقتصادی با گذر از منطقه صفر به اعدادی چون: منفی ۱/۹ و منفی ۵/۶ درصد رسیده است. در این شرایط تولید سرانه این کشور نیز با سقوط آزاد به منفی ۲/۴ درصد در سال ۲۰۱۸ و منفی ۵/۷ درصد در سال ۲۰۱۹ رسیده است.

رشد شدید کسری بودجه و بدهی های خارجی

محوریت اقتصاد لبنان ارائه خدمات بانکی و گردشگری و بیا یک فاصله املاک و ساختمان است. دولت برای سرمایه گذاری خارجی محدودیت خاصی اعمال نمی کند، لیکن این به آن معنا نیست که سرمایه گذاری در لبنان به سهولت صورت می پذیرد، چرا که به دلیل وجود خطوط قرمز فراوان، فساد اداری، روبه های طولانی صدور مجوز، روبه های پیچیده گمرکی، نرخ های مالیاتی بالا، تعرفه ها و هزینه ها، قوانین نامتناسب با نیاز روز اقتصاد و عدم رعایت حقوق مالکیت معنوی با مشکلات جدی مواجه است. همان گونه که از جدول پیداست، نرخ رشد اقتصادی لبنان در سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ به منفی ۱/۹ و ۵/۶ درصد رسیده است. براساس برآوردی که صندوق بین المللی پول در خصوص اقتصاد لبنان به عمل آورده، پیش بینی می شود برای سال ۲۰۲۰ نیز این ارقام به منفی ۶ تا ۷ درصد نیز برسند. نرخ تورم در سال ۲۰۱۸ به ۶ درصد رسیده، این در حالی است که در سال ۲۰۱۷، نرخ تورم ۴/۵ درصد بود. برای سال های پیش رو نیز کارشناسان افزایش تورم را پیش بینی کرده و به قیمت سوخت وارداتی ارتباطی می دهند. از طرف دیگر کسری بودجه در سال ۲۰۱۹، به طور قابل توجهی افزایش یافته و به ۱۱ درصد از تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۸ رسیده، این در حالی است که این رقم در سال ۲۰۱۷، ۸/۶ درصد بوده است. علت این امر را افزایش حقوق و دستمزد در بخش عمومی اقتصاد باید جست و جو کرد، این در حالی است که دولت استخدام نیروی جدید کار را به نوعی متوقف کرده است. از سوی دیگر پیش بینی می شود بدهی های عمومی تا پایان سال ۲۰۲۰ به ۱۷۵ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش یابد و به همه موارد یاد شده، حجم بالای بدهی های عمومی را باید اضافه کرد که حدود ۱۵۰ درصد از تولید ناخالص داخلی است. کسری بودجه حساب های جاری بدهی های خارجی را نزدیک به ۱۹۰ درصد از تولید ناخالص داخلی کرده است.

کرونا و بحران بزرگ کاهش درآمد گردشگری لبنان
بخش گردشگری به عنوان یکی از موتورهای محرک اقتصاد لبنان است و این صنعت در طول تاریخ برای اقتصاد این کشور اهمیت فراوان داشته و نقش خود را به عنوان یکی از مهم ترین منابع درآمدی ایفا کرده است. بیروت را پیش از جنگ داخلی لبنان به طور گسترده به عنوان «پاریس خاورمیانه» می شناختند و غالباً نقش یک مرکز مالی، تجاری و شهری را در منطقه ایفا می کرد که گردشگران می توانستند در آن فرهنگ مدیترانه ای را تجربه کنند. لبنان یکی از کشورهایی است که در آن آثار باستانی فراوان و متعلق به فرهنگ های مختلف دیده می شود. دود دهه پیش از شروع جنگ داخلی، گردشگری یکی از مهم ترین بخش های اقتصادی لبنان بود و حدود ۲۰ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) را شامل می شد؛ رقمی که امروزه حتی برای کشورهای توریستی جهان دست نیافتنی به نظر می رسد. اما ۳۰ سال درگیری و بی ثباتی سیاسی باعث شد لبنان به شدت گردشگران خود را از دست داده و بیشتر مقاصد زیبای آن (به خصوص نواحی خارج از بیروت) توسط گردشگران نادیده گرفته شوند. پس از جنگ داخلی تلاش بر این بود که گردشگری به جایگاه واقعی خود بازگردد و طی ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۰ تعداد گردشگران ورودی به کشور تقریباً پنج برابر شدند و در سال ۱۹۹۹ سهم گردشگری لبنان از GDP را ۹ درصد عبور کرد. اما در زمان بحران سوریه، گردشگری لبنان با افول مجدد مواجه شد. با وجود این، آمارها تایید می کند در سال های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ بیش از ۲۰ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور به گردشگری و این صنعت وابسته بوده است. براساس آمارهای لبنان در حدود ۱۲ درصد از گردشگران خاورمیانه را در سال های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ در خود جای داده است. علاوه بر اینها صنعت گردشگری بیش از ۲۰ درصد از اشتغال این کشور در سال ۲۰۱۸ را تشکیل داده که سهم بزرگی برای این بخش محسوب می شود. در نهایت اما تمامی اتفاقات اخیر اعم از کشمکش های داخلی، کرونا و از همه مهم تر انفجار دوروز پیش بندر بیروت بخش گردشگری این کشور را با مشکل مواجه خواهد ساخت که به این معنی خواهد بود که ۲۰ درصد از اقتصاد بحرانی لبنان ممکن است بحرانی تر شود.

دمای منفی در تجارت خارجی

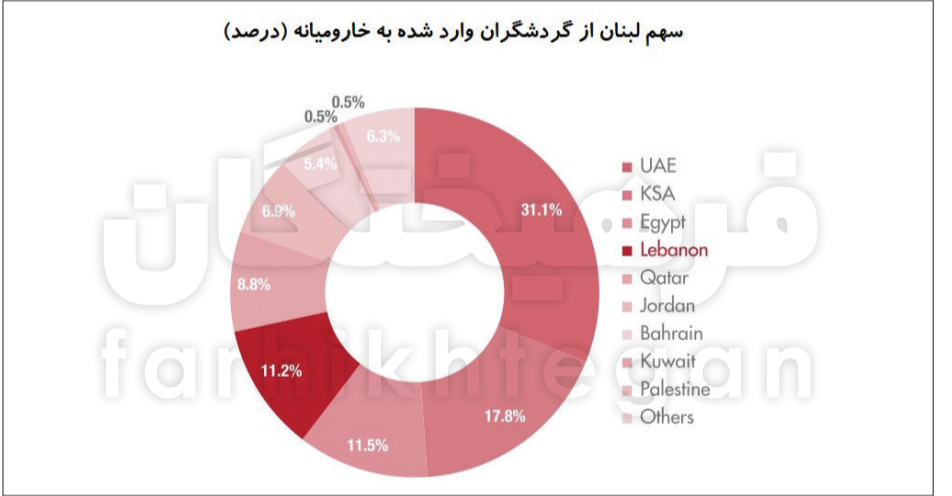
برآوردها نشان می دهد که کشور لبنان از نظر تجاری وابسته به واردات بوده و در سال های اخیر با تراز تجاری منفی روبه رو بوده است. البته این مساله به معنی نبود ظرفیت های مناسب برای صادرات نیست، بلکه عمده ضعف های تجاری در این کشور از ضعف های سیاسی و اقتصادی حادث شده است.



بررسی آمارها از سال ۲۰۱۴ به بعد تایید می کند که این کشور همه ساله با تراز تجاری منفی آن هم در حدود ۱۶ میلیارد دلار درگیر بوده است که با توجه به کمبود ذخایر ارزی و همچنین کمبود ذخایر ارزی از محل صادرات رقم بزرگی محسوب می شود. اقلام وارداتی این کشور که عمدتاً آن را مواد غذایی، تجهیزات و دارو تشکیل می دهد نیاز به تأمین ارزهای کلاسی دارد که با توجه به کمبود ذخایر، گفته شده احتمالاً از محل استقراض های بین المللی و... تأمین می شود. شاید از همین روست که بدهی های بین المللی این کشور بالا بوده و هر ساله در حال افزایش است. میزان واردات این کشور در سال ۲۰۱۴ با بالاترین رقم در ۶ سال اخیر بوده و در حدود ۲۰ میلیارد و ۴۰۰ هزار دلار بوده است و در سال های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ نیز به حدود ۱۸ میلیارد دلار رسیده است. در دو سال اخیر اما میزان واردات این کشور به دلیل نیازمندی ها و کاهش تولیدات داخلی روبه فزونی گذاشته و در سال های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ به حدود ۲۰ میلیارد دلار رسیده است. میزان صادرات نیز روند کاهشی را طی کرده و از سالی سه میلیارد و ۷۰۰ هزار دلار در سال ۲۰۱۴ به سه میلیارد و ۲۰۰ هزار دلار در سال ۲۰۱۹ رسیده است.

ایران پنجاهمین شریک تجاری لبنان است

با وجود روابط بسیار نزدیک ایران و لبنان، نکته جالب این است که ایران نه در سید صادرات و نه در سید واردات لبنانی ها جایگاه خاصی ندارد، چرا که بازار این کشور به صورت سنتی در دست عده ای است و همین حضور ایرانی ها را در لبنان سخت تر می کند. براساس آخرین آمار ارائه شده از سوی سازمان تجارت و توسعه، ایران در سال های ۹۷ در حدود ۶۶ میلیون دلار به لبنان صادرات داشته که این مقدار در سال ۹۸ به ۳۰ میلیون دلار رسیده است؛ رقمی که ایران را به عنوان پنجاهمین شریک تجاری لبنان قرار می دهد. شرکای اصلی صادراتی لبنان هم اکنون به ترتیب: عربستان سعودی ۱۲/۱ درصد، امارات متحده عربی ۱۰/۶ درصد، عراق ۷/۶ درصد، سوریه ۷/۱ درصد و آفریقای جنوبی ۶/۶ درصد هستند. اما در شرایط فعلی و آسیب دیدن بسیاری از زیرساخت های تجارت لبنان بر اثر انفجار بندر بیروت، کشور ما می تواند به دلیل دسترسی بالای دریایی و... که به این کشور داشته در صد تقویت رابطه تجاری خود برآمده و از مزایای واردات و صادرات بهره ای برد. البته چنین مسیری می تواند دست ایران را برای کمک های اقتصادی به این کشور باز بگذارد.



سال	صادرات	واردات	تراز تجاری
۲۰۱۹	۳/۲	۱۹/۹	-۱۵/۵
۲۰۱۸	۳/۲	۱۹/۹	-۱۶/۷
۲۰۱۷	۳/۲	۱۷/۳	-۱۴/۱
۲۰۱۶	۳/۵	۱۸/۷	-۱۵/۲
۲۰۱۵	۳/۴	۱۸	-۱۴/۶
۲۰۱۴	۳/۷	۲۰/۴	-۱۶/۷

منبع: TRAD MAP

سال	نرخ تورم (درصد)	نرخ رشد اقتصادی (درصد)	سهم هر فرد از تولید ناخالص داخلی (تولید سرانه) به دلار	رشد تولید سرانه (درصد)
۲۰۱۹	۳	-۵/۶	۷,۷۸۴	-۵/۷
۲۰۱۸	۶	-۱/۹	۸,۰۲۴	-۲/۴
۲۰۱۷	۴	-۰/۸	۷,۸۰۱	-۱/۶
۲۰۱۶	-۰/۷	۱/۵	۷,۶۲۹	-۱/۱
۲۰۱۵	-۳/۷	-۰/۲	۷,۶۴۴	-۳/۹
۲۰۱۴	۱/۸	۲/۴	۷,۶۸۶	-۳/۲
۲۰۱۳	۴/۸	۳/۸	۷,۹۳۱	-۲/۷
۲۰۱۲	۶/۵	۲/۵	۷,۹۵۰	-۳/۶
۲۰۱۱	۴/۹	-۰/۸	۷,۶۷۴	-۳/۹
۲۰۱۰	۳/۹	۷/۹	۷,۷۶۱	۴/۹
۲۰۰۹	۱/۱۹	۱۰/۲	۷,۳۵۴	۹/۱
۲۰۰۸	-	۹	۶,۱۱۱	۹/۱
۲۰۰۷	۹/۳	۹/۳	۵,۲۰۷	۹/۱
۲۰۰۶	-	۱/۵	۴,۶۲۶	-۰/۲۴
۲۰۰۵	-	۲/۶	۴,۵۷۵	-۰/۱۴

منبع: بانک جهانی

